



۲۰۱۷/۱۱/۱۳

پرتو نادری

## «دری» زبانی است مستقل و کهن

دری «نه لهجه پارسی است و نه هم صفتی برای پارسی؛ بلکه «دری» زبانی است مستقل و کهن سال که نخستین سروده ها در این زبان به پیش از اسلام می رسد. دری همان زبانی است که به آن پارسی یا پارسی دری نیز می گویند. بسیاری از دوستان در برابر «دری» چنان حساس شده اند که هندویی در برابر گوشت گاو.

من هوای نوشتن چیزی را در این پیوند را ندارم، چون کمیت من در این راه می لنگد. در هفته های اخیر سرگرم رشته نوشته هایی بودم در پیوند به شعر کوتاه و کوتاه سرایی. به آثاری چند تن از دانشمندان، پژوهشگران و زبان شناسان ایران نیز سری زدم. در این روزها که غوغای دری و پارسی بسیار داغ بود، توجه بیشتری کردم و دیدم که این دانشمندان ایرانی عمدتاً این زبانی را که در این حوزه بزرگ به آن سخن می گویند «دری» خوانده اند و گاهی هم به نام پارسی یا پارسی دری یاد کرده اند. من در کتاب «موسیقی شعر» از دکتر شفیع کدنی چنین خواندم.

«... هنوز به روشنی دانسته نشده است که شعر دری از کجا و کی پیدا شده است داستان های که تذکره نویسان در باره نخستین شعر و شاعر زبان دری آورده اند هیچ کدام نمی تواند سندی قاطع و استوار داشته باشد. مورخان و تذکره نویسان، بی آن که توجهی به حقیقت ماجرا داشته باشند، می گویند که شعر دری پس از حمله تازیان به وجود آمده است. پیش از آن سابقه ای نداشته است و آن چه یاد کرده اند بیشتر نمونه هایی است از اشعاری که در اسلام سروده شده است. مانند: " ابو حفص سغدی" و " ابوالعباس مروزی" و یا شعر منسوب به " یزید بن مفرغ" تازی و پیداست که اگر بخواهیم شعر دری را به بعد از اسلام منحصر کنیم باید یکی از همین نمونه ها را بپذیریم.»

دکتر محمد رضا شفیع کدنی، موسیقی شعر، انتشار آگاه، ۱۳۷۳، ص ۵۶۲-۵۶۳.

کدنی از پیدایی شعر «دری» سخن می گوید و باور دارد که نخستین سروده ها در این زبان به پیش از اسلام می رسد. یعنی به دوران ساسانیان. او بحث نخستین سروده های زبان «دری» را این گونه ادامه می دهد:

«آخرین تحقیقی که در باره شعر دری پس از اسلام شده همان است که آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب نوشته اند و سرود مردم بخارا را در باره عشق بازی های " سعید بن عثمان" سردارتازی و خاتون بخارا (که مولف تاریخ بخارا از آن یاد کرده و سرودش را نیاورده) ایشان در کتابی به نام: " اسماء المغتالین من الاشراف فی الجاهلیة و الاسلام"

به اهتمام ولی احمد نوری

تالیف ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی متوفی به سال ۲۴۵ هجری، که چند سال قبل در قاهره چاپ شده، یافته اند و اندکی از آن سرود را که در آن کتاب آمده نقل کرده اند و آن این است:

کورخمیر آمد  
خاتون دروغ کنده  
(همان، ص ۵۶۳)

### او در ادامه می نویسد:

«بی هیچ تردید این نمونه کهن ترین سرود فارسی دری مربوط به بعد از اسلام است تا آن جا که به ما رسیده است تا آن جا که منابع موجود تاریخی گواهی می دهند، از شعر یزید بن مفرغ نیز کهنه تر است؛ زیرا داستان اش چند سال پیشتر از ماجرای یزید بن مفرغ روی داده است.

اما نمی توانیم شعر دری را پدیده ای که پس از اسلام به وجود آمده باشد، بدانیم؛ زیرا این زبان کهنه تر از این است و اگر در گذشته بعضی می پنداشتند که زبان دری دنباله پهلوی ساسانی است و تصور می کردند که از آمیزش زبان پهلوی و تازی به وجود آمده است، امروز ثابت شده و قراین استوار تاریخی و زبان شناسی بر این موضوع تصریح دارند که زبان دری زبان تازمی نیست، بلکه پیشینه ای کهن دارد که در عرض زبان پهلوی است و لهجه ای مشترک بوده که در مشرق ایران و دربار شاهان بدان سخن می گفته اند و در این باره از قدیم ترین روزگار مورخین اسلامی مانند ابن مقفع، بنقل ابن ندیم، و حمزه اصفهانی در "التنبيه على حدوث التصحيف" و یاقوت حموی در "معجم البلدان" اشاراتی داشته اند و زبان رایج و لهجه عمومی و ادبی بوده است که در دوره ساسانی و اوایل اسلام، در ایران شیوع داشته است و گذشته از شواهد تاریخی از نظر اصول زبان شناسی و غوررسی در تاریخ شعر فارسی بعد از حمله عرب، این موضوع به خوبی روشن می شود و وجود آثار فصیح و استواری از شاعران و نویسندگان چون رودکی، بلعمی نشان می دهد که زبان دری زبان رایج و پخته و کامل بوده است تا توانسته در فاصله کمتر از دو قرن آن چنان تکامل پیدا کند و نیز عباراتی که از شاهنشاهان ساسانی به زبان دری در کتب عربی، مانند "المحاسن و الاضداد" جاحظ ذکر کرده اند خود گواه این بحث است. با این دلایل استوار نمی توانیم شعر موجود در این زبان را به حدودی مربوط به پس از حمله عرب منحصر کنیم؛ زیرا وقتی زبان رایج بود بی هیچ گمان شعر هم در آن خواهد بود و اگر نمونه آن به ما نرسیده باشد، دلیل آن نخواهد بود که شعر نداشته است.»

(همان، ص ۵۶۴)

دکتر کدکنی زمانی که در پیوند به چگونگی وزن نخستین سروده ها در زبان دری یعنی خسروانی ها سخن می گوید، باور دارد که شعر دری در آن روزگار وزن هجایی داشته که بعد از حمله عرب تابع وزن عروضی شده است. او خسروانی های را که بارید در دربار خسرو پرویز ساسانی با لحن می خوانده سروده هایی می داند به زبان دری نه به زبان پهلوی که وزن هجایی داشته اند.

«از این سرود که بی هیچ تردیدی به زبان دری است روشن می شود که همچنان که ابن مقفع و حمزه اصفهانی و دیگران گفته اند زبان دری زبانی بوده است که در دربار سلاطین با آن سخن می گفته اند و حتا سرودها و شعرهایی

که در پیشگاه شاهنشاهان ساسانی خوانده می شده به زبان دری بوده است و سابقه زبان دری را استوارتر می کند؛ زیرا می بینیم که چندین سال پیش از حمله تازیان، در ایران بدین زبان شعر سروده اند و در دربار پادشاهان آن را خوانده اند.»

(همان، ص ۵۷۵)

از گفته‌های دکتر کدکنی می توان نتیجه گرفت که زبان دری پیش از اسلام با شعر و سرود خود در کنار زبان پهلوی ساسانی وجود داشته است و نخستین سرودها در این زبان همان خسروانی های باربد هستند. او یکی دو جای از این زبان به نام فارسی دری نیز یاد کرده است.

از این جا می شود گفت: زبانی که از بدخشان تا تهران و دیگر بخش های ایران، تاجیکستان، بخارا و سمرقند و کشمیر و... سخن گفته می شود و بدون تردید زبان یک حوزه بزرگ تمدنی است که در برپایی کاخ شکوهمند شعر و ادبیات آن نویسندگان، شاعران و گوینده‌گان اقوام گوناگون این حوزه سهم دارند، همان زبان دری است که به نام زبان پارسی دری یا پارسی نیز یاد شده است. من به چنین چیزی در آثار پژوهش‌گران و دانشمندان دیگر نیز برخورده ام که این زبان را به نام دری و پارسی دری نیز یاد کرده اند. نمی خواهم احساسات کسی را برضد خود بر انگیزم، به گمانم آنانی که دو پای را در یک موزه کرده و می گویند که دری زبان نیست و زبان ما پارسی است و دری را به رسمیت نمی شناسیم، در اشتباه اند. این همه نام‌های اند برای یک زبان.

این که بی بی سی چرا صفحه بی بی سی افغانستان را به بی بی سی دری تغییر داده و در آن سوی پرده چه هدفی دارد، من نمی دانم. تنها می خواهم بگویم. من از سپتمبر ۱۹۹۷ تا آغاز ۲۰۰۳ گزارش گر بی بی سی بودم. گذشته از گزارش های سیاسی - اجتماعی روز مره هر هفته بر نامی را زیر نام «گزارش های فرهنگی افغانستان» از ۱۰ تا ۱۲ دقیقه تهیه و ارائه می کردم. باور دارم که کمابیش ۲۰۰۰ گزارش از من در بی بی سی نشر شده است. در آن سال‌ها سخنی را از کارمندان بی بی سی شنیده بودم که چنان ضرب المثلی می گفتند: «بی بی سی غولی است که مغز ندارد!»

این که چرا در در قانون اساسی ۱۳۴۳ افغانستان نام فارسی را به دری بدل کردند، دوستان می توانند به خاطرات میر محمد صدیق فرهنگ سری زنند. این پیشنهاد از فرهنگ است، البته دلایل پیشنهاد خود را نیز نوشته است. سخن آخر این که سیاست‌های که می خواهد این زبان گویا پاره پاره کند، بیهوده سر به سنگ می زند، خوب است تا جایی این همه غوغا برویم و در زبان خود متن بیافرینیم! پرتو نادری

\*\*\* \*\*



جهان سپاس و امتنان از وبسایت ملی "دُر دری" دوست عزیزم جناب حسین جان فضل  
یک افغانستان تشکر و ممنونیت از نویسنده و قلم بدست توانا و افغان اصیل جناب "پرتو نادری" که  
بدفاع از زبان زیبا و کهن ما برآمده اند. موفق و سرفراز باشند و خامه شان سرشار و پر بار باد!!

ولی احمد نوری